



بررسی و تبیین کارکردهای احادیث در اخلاق نظری

علی بلوردی* | محمد تقی سبحانی نیا**

doi: 10.22034/ethics.2025.51992.1791

چکیده

اخلاق در اسلام جایگاه رفیعی دارد و احادیث، منبع غنی آموزه‌های اخلاقی هستند. این پژوهش با هدف تبیین و تحلیل کارکردهای نظری احادیث در ساختار نظری اخلاق اسلامی انجام شده است؛ زیرا به رغم اهمیت روایات، بررسی نقش آنها در نظریه‌پردازی اخلاقی نیازمند پژوهشی دقیق‌تر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «احادیث» دارای کارکردهای نظری چندگانه‌ای در اخلاق اسلامی هستند. این کارکردها شامل: تبیین و تعیین گزاره‌های اخلاقی، تشریح و مفهوم‌سازی مفاهیم کلیدی اخلاقی، تفسیر و روشنگری آیات اخلاقی قرآن کریم، و تکمیل و پشتیبانی عقل در شناخت اخلاقی با تبیین محدودیت‌های آن و ارائه راهنمایی‌های و حیاتی. همچنین، احادیث به‌عنوان منبعی برای ارزیابی نظریه‌های اخلاقی، مطرح می‌شوند. این پژوهش برای درک کارکردهای نظری احادیث، بر نقش غیرقابل‌انکار این منبع در شکل‌گیری و غنای نظام اخلاق اسلامی تأکید می‌کند. شناخت دقیق این کارکردها، زمینه بهره‌گیری مؤثرتر از این منبع ارزشمند در تحقیقات آتی و تدوین برنامه‌های آموزشی و ترویجی اخلاق اسلامی را فراهم می‌سازد و به فهم عمیق‌تر و کاربرد مؤثرتر آموزه‌های اخلاقی اهل بیت (ع) کمک می‌کند. این پژوهش با رویکردی توصیفی و تحلیلی به نگارش درآمده است.

کلیدواژه‌ها

اخلاق نظری، احادیث اخلاقی، کارکردهای احادیث، حدیث.

* دانشجوی دکتری مدرسی اخلاق اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث. تهران. ایران. | alibalvardi@outlook.com
 ** دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث، قم. ایران. (نویسنده مسئول). | sobhaninia.m@qhu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

■ بلوردی، علی؛ سبحانی نیا، محمد تقی. (۱۴۰۴). بررسی و تبیین کارکردهای احادیث در اخلاق نظری. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۸(۲۸)، ۶۷-۹۰. doi: 10.22034/ethics.2025.51992.1791

بیان مسئله

اخلاق، همواره مورد توجه اندیشمندان و مکاتب فکری گوناگون بوده و در منظومه فکری اسلام، جایگاهی بس رفیع دارد و منابع وحیانی، به‌ویژه قرآن کریم و احادیث معصومین (ع)، سرشار از آموزه‌های اخلاقی هستند. برخی پژوهشگران با استناد به حجم قابل توجه آیات و روایات اخلاقی، بر نقش بی‌بدیل این منابع در شکل‌گیری نظام اخلاقی اسلام تأکید ورزیده‌اند. گستردگی و تنوع مضامین اخلاقی در احادیث، این ظرفیت را ایجاد می‌کند که از آنها در سطوح مختلف تحلیل اخلاقی، از تدوین نظریه‌های کلان گرفته تا تبیین جزئی‌ترین آداب رفتاری، بهره‌برداری شود. با این وجود، به رغم اهمیت و وفور احادیث اخلاقی، بررسی جامع و نظام‌مند کارکردهای آنها در ساختار نظری اخلاق اسلامی، نیازمند پژوهشی دقیق و تفصیلی است. کارکردهای نظری به نقش و اثری اشاره دارند که احادیث به‌عنوان یک منبع اصلی در شکل‌دهی، فهم، توجیه و توسعه اخلاق اسلامی ایفا می‌کنند. این کارکردها به چگونگی تأثیرگذاری روایات بر ساختار فکری و نظام شناختی اخلاق اسلامی مربوط می‌شوند: از کارکردهای نظری می‌توان به تبیین و مفهوم‌سازی ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی، تعیین انواع گزاره‌های اخلاقی، تفسیر و تعمیق فهم متون مقدّس، ارائه مبانی معرفت‌شناختی اخلاق، صورت‌بندی نظریه‌های اخلاقی خاص، و ارزیابی و نقد دیدگاه‌ها و نظریه‌های اخلاقی اشاره کرد.

این پژوهش، با تمرکز بر روایات اخلاقی و کارکردهای نظری آنها، به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش اساسی است که کارکردهای نظری احادیث در اخلاق چیست؟ فرضیه پی گرفته شده این است که روایات در حوزه اخلاق نظری دارای کارکردهای گوناگون و متنوعی هستند که از جمله آنها می‌توان به تبیین دقیق و همه‌جانبه مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی، ارائه سنج‌های برای ارزیابی و نقد دیدگاه‌ها و مکاتب اخلاقی غربی، نقش محوری در تفسیر و روشنگری آیات اخلاقی قرآن کریم، و نیز تقویت و تکمیل جایگاه عقل و حس در شناخت و قضاوت‌های اخلاقی از طریق ارائه مبانی مستدل و شواهد متقن اشاره کرد.

مرتبط با موضوع این پژوهش، سه مقاله به نگارش درآمده است. مقاله «جایگاه حدیث در علم اخلاق» اثر محمد شعبان‌پور، (۱۳۹۱)، اعتبار و میزان تأثیرگذاری احادیث در حوزه اخلاق را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که علم اخلاق در تعریف مفاهیم و تصدیق گزاره‌های خود، وابستگی شدیدی به احادیث دارد. همچنین، مقاله «جایگاه حدیث و کارکردهای آن در اخلاق اسلامی» نوشته عنایت‌الله شریفی (۱۳۹۱) ضمن تمایز قائل شدن میان دانش فقه و اخلاق، به



تبیین کارکردهای احادیث در دانش اخلاق اسلامی، به ویژه در تعیین مفاهیم ارزشی و اخلاقی می‌پردازد. افزون بر این، آثار دیگری نظیر «ارزش‌های اخلاقی در سیره رسول اعظم (ص)» به قلم سالار منافی اناری (۱۳۸۸) به بررسی ارزش‌های اخلاقی در زندگی پیامبر اکرم (ص) به عنوان الگوی کامل اخلاق پرداخته است. افزون بر مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتب گوناگونی نیز در این زمینه نگارش شده‌اند که زوایای مختلف نقش احادیث در اخلاق اسلامی را کاوش کرده‌اند.

پژوهش حاضر، ضمن بهره‌مندی از یافته‌های تحقیقات پیشین، با اتخاذ رویکردی جامع‌تر و تحلیلی‌تر، در پی بررسی دقیق کارکردهای نظری احادیث در اخلاق است. تفاوت‌های اساسی این پژوهش با مطالعات پیشین در چند محور قابل تبیین است: نخست، تمرکز بر کارکردهای نظری احادیث که در مقابل کارکردهای عملی احادیث قرار می‌گیرد. در پاسخ به این سؤال که چرا بر کارکردهای نظری تأکید شده و به کارکردهای عملی پرداخته نشده، باید گفت که هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش احادیث در شکل‌دهی به مبانی و ساختار نظری اخلاق اسلامی است. دوم، ارائه یک طبقه‌بندی از کارکردهای نظری احادیث در حوزه‌هایی نظیر گزاره‌های اخلاقی، مفاهیم اخلاقی، تفسیر اخلاقی آیات قرآن، نقد و بررسی نظریه‌های اخلاقی با استفاده از حدیث به‌منظور دستیابی به فهمی دقیق‌تر از نقش این منبع در حوزه‌های مختلف.

تمرکز بر نقش نظری احادیث، جایگاه ارزشمند این منبع را در شکل‌گیری مبانی اخلاق اسلامی تبیین کرده و به تکمیل و ارتقاء دانش اخلاق اسلامی کمک می‌کند. افزون بر این، شناخت دقیق کاربردهای احادیث می‌تواند در تدوین محتوای آموزشی و برنامه‌های ترویج اخلاق اسلامی مؤثر بوده و به پاسخ‌گویی به برخی شبهات موجود در این زمینه یاری رساند و در یک کلام، با تبیین جایگاه و کارکردهای احادیث، زمینه بهره‌گیری هر چه بیشتر و بهتر از این منبع غنی دینی در حوزه اخلاق فراهم می‌آورد.

شایان ذکر است که تحقیقات پیشین در این خصوص، چندان جامع، کامل و کافی نبوده و لازم است پژوهش‌های دقیقی در جهت نقش و کارکردهای متعدد و متنوع احادیث اخلاقی صورت پذیرد تا بتوان هر چه بیشتر از این منبع غنی در سامان‌دهی به نظریه اخلاقی اسلامی بهره برد.

مفهوم‌شناسی

۱. اخلاق نظری

اخلاق نظری شاخه‌ای از دانش اخلاق است که به بررسی مبانی، اصول و مفاهیم بنیادین



اخلاقی می‌پردازد. این شاخه از اخلاق - بر خلاف اخلاق عملی که به قضاوت درباره اعمال خاص و ارائه دستورالعمل‌های اخلاقی می‌پردازد - به دنبال کشف ماهیت خیر و شر، خوبی و بدی و معیارهای سنجش اعمال اخلاقی است. اخلاق نظری به جای آن که به طور مستقیم به اعمال خاص بپردازد، به بررسی سؤالات بنیادینی مانند «خوب‌بودن به چه معناست؟»، «چه چیزی سبب می‌شود یک عمل اخلاقی باشد؟» و «آیا ارزش‌های اخلاقی جهانی هستند یا نسبی؟» می‌پردازد. در اخلاق نظری، به جای این که به طور مستقیم به افراد گفته شود که دروغ گفتن بد است و راست‌گویی خوب است، به بررسی مفهوم دروغ، راست‌گویی و ارزش صداقت پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، اخلاق نظری به دنبال تبیین فلسفی و منطقی قضاوت‌های اخلاقی است (محموظی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۹؛ سعدالدین، ۱۴۲۴؛ ج ۱، ص ۳۸).

۲. کارکرد

«کارکرد»، در علوم اجتماعی و به تبع آن در مباحث مرتبط با علوم دینی و اخلاق، دارای یک معنای واحد و ثابت نیست و در زمینه‌های مختلف، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. به طور کلی، کارکرد معمولاً به معنای نقش یا اثری است که یک پدیده در زنجیره پدیده‌های مرتبط با آن به جا می‌گذارد. کارکرد نشان می‌دهد که یک چیز چگونه در یک سیستم یا مجموعه عمل می‌کند و چه تأثیری بر آن سیستم یا اجزای آن دارد. معنای رایج، واژه «کارکرد» در متون مختلف با معانی دیگری نیز به کار رفته است، از جمله: وظیفه، معلول، عمل، فایده، انگیزه، غایت، کار، نتیجه و حاصل به کار می‌رود (سروش، ۱۳۸۸، ص ۲۶۸). کارکرد در این پژوهش به صورت عام مد نظر است و شامل کاربردها احادیث در اخلاق نظری هم می‌شود.

۳. روش‌شناسی و ارتباط مباحث

ارتباط و نسبت این مباحث در این است که هر یک از این کارکردها، بُعدی از تأثیرگذاری احادیث بر بُعد نظری اخلاق را روشن می‌کنند. روش‌شناسی تحلیل هر کارکرد شامل تعریف مفهوم، ارائه ویژگی‌ها یا اجزا، و سپس تبیین نقش احادیث با استناد به نمونه‌های روایی است. این ساختار، نه تنها به غنای دانش اخلاق اسلامی می‌افزاید، بلکه با تمرکز بر ابعاد نظری، زمینه‌ای برای تحقیقات آتی و کاربردهای عملی آموزه‌های اهل بیت (ع) فراهم می‌کند.



کاردکردهای احادیث اخلاقی

۱. تعیین گزاره‌های اخلاقی به وسیله احادیث

اولین کارکرد احادیث در اخلاق نظری، تعیین گزاره‌های اخلاقی به وسیله احادیث است. احادیث به‌عنوان یکی از منابع اصلی شریعت اسلامی، نقش محوری در تبیین و تعیین گزاره‌های اخلاقی ایفا می‌کنند. برای درک بهتر این نقش، ابتدا لازم است به مفهوم «گزاره اخلاقی» و اجزای آن بپردازیم و سپس به بررسی چگونگی تبیین این گزاره‌ها توسط احادیث بپردازیم.

۱.۱. مفهوم گزاره اخلاقی

در منطق، گزاره به «قضیه» اطلاق می‌شود که نوعی از «مرکب تام خبری» است که قابلیت صدق و کذب را دارد، اما در حوزه اخلاق، معنای گزاره گسترده‌تر است و شامل هر نوع جمله‌ای می‌شود که به بیان یک ارزش یا حکم اخلاقی می‌پردازد؛ چه خبری و چه انشایی. بنابراین، «گزاره اخلاقی» به هر جمله‌ای گفته می‌شود که در آن، یک فعل یا صفت، با یک مفهوم اخلاقی مانند «خوب»، «بد»، «باید»، «نباید»، «درست»، «نادرست» و غیره، توصیف می‌شود. این گزاره‌ها، در واقع، به تبیین عوامل مؤثر در سعادت و شقاوت انسان می‌پردازند (غزالی، ۱۹۹۳، ص ۵۲).

گزاره‌های اخلاقی دارای چهار ویژگی متمایز هستند: (۱) واقعی بودن منشأ: این گزاره‌ها، هرچند اعتباری‌اند، اما ریشه در حقایق تکوینی و فطری دارند و تنها تابع سلیقه نیستند. عقل با درک حُسن و قُبْح افعال، پیوندی بین اعتبار و واقعیت ایجاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸)؛ (۲) تجربی بودن: علم اخلاق بر پایه تجربه (شامل تجربه حسی و شهود عرفانی) بنا شده است. روایات اسلامی نیز با بیان آثار فضایل و رذایل، جنبه تجربی گزاره‌های اخلاقی را تأیید می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۳۰-۳۲؛ ۳) استدلالی بودن: گزاره‌های اخلاقی، به دلیل ریشه در واقعیت و تجربه، قابلیت اثبات و استدلال عقلی و نقلی دارند؛ خوبی و بدی آنها سلیقه‌ای نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۴۶؛ ۴) کلی بودن: این گزاره‌ها به اصول و قواعد کلی اخلاقی می‌پردازند که شامل مصادیق متعدد می‌شوند. این کلیت از ثبات روح انسان ناشی می‌شود که اصول ثابت فضایل و رذایل را درک می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱).

هر گزاره اخلاقی، از دو جزء اصلی تشکیل شده است: الف) موضوع: موضوع گزاره اخلاقی، معمولاً یکی از ابعاد وجودی انسان، یعنی فعل، صفت، یا حالت نفسانی او است. به عبارت دیگر، گزاره‌های اخلاقی به بررسی و ارزیابی رفتار، شخصیت، و ویژگی‌های درونی



انسان می‌پردازند (امیدی، ۱۳۸۸، ص ۴۶۵). ب) محمول: محمول گزاره اخلاقی، یک مفهوم ارزشی یا الزامی است که به موضوع نسبت داده می‌شود. مفاهیم ارزشی، مانند «خوب» و «بد»، به بیان ارزش و جایگاه اخلاقی یک فعل یا صفت می‌پردازند. مفاهیم الزامی، مانند «باید» و «نباید»، به بیان وظیفه و تکلیف اخلاقی انسان می‌پردازند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۶۵۵۳).

۲.۱. تبیین و تعیین گزاره‌های اخلاقی به وسیله روایات

بر اساس مطالب پیشین، نقش احادیث در تبیین گزاره‌های اخلاقی در دو بخش کلی قابل بررسی است: دسته اول، گزاره‌های انشائی (باید و نباید) هستند. بسیاری از احادیث با استفاده از قالب‌های انشائی به بیان وظایف و تکالیف اخلاقی انسان می‌پردازند. این قالب‌های انشائی شامل مواردی مانند امر، نهی، استفهام (با بار الزامی)، توصیه، ترغیب و تحریم و منع می‌شوند. برای مثال، احادیث بسیاری با استفاده از صیغه امر یا الفاظ مشابه، به انجام یک فعل اخلاقی فرمان می‌دهند و گزاره‌های «باید» را تبیین می‌کنند: پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أَحْسِنُوا أَخْلَاقَكُمْ» اخلاق خود را نیکو کنید (قمی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۶۸). در مقابل، احادیثی نیز با استفاده از صیغه نهی یا الفاظ مشابه، از انجام یک فعل غیر اخلاقی نهی کرده و گزاره‌های «نباید» را تبیین می‌کنند: امام علی (ع) فرمودند: «لَا تَعْتَابُوا الْمُسْلِمِينَ» از غیبت مسلمانان دوری کنید (ورام، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۵).

برخی احادیث نیز در قالب پرسش، به بیان اهمیت و ارزش یک فعل اخلاقی پرداخته و به طور غیر مستقیم، انجام آن را لازم می‌شمارند: از امام علی (ع) پرسیدند: «أَيُّ عَمَلٍ أَفْضَلُ؟» فرمودند: «التَّقْوَى»؛ کدام عمل برتر است؟ فرمودند: تقوا (ورام، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۳). دسته‌ای دیگر از احادیث، با استفاده از الفاظ تشویق‌آمیز، به انجام یک فعل اخلاقی ترغیب می‌کنند و بر مطلوبیت و رجحان آن تأکید دارند: پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «تَهَادَوْا تَحَابُّوا، تَهَادَوْا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ» به هم‌دیگر پیشکش دهید تا مهر و محبت در میان شما فزونی یابد؛ به یک‌دیگر هدیه دهید؛ زیرا کینه‌ها را می‌زداید (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۴۴). در نهایت، برخی احادیث با استفاده از الفاظی چون «حرام» و «جایز نیست»، انجام برخی افعال را به شدت منع کرده و گزاره‌های «نباید» را با تأکید بیشتری بیان می‌کنند: امام موسی کاظم (ع) فرمودند: «حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ: النَّمَامِ وَ مُدْمِنِ الْخَمْرِ وَ الدَّيُّوتِ وَ هُوَ الْفَاجِرُ؛ بهشت بر سه کس حرام است: سخن‌چین، دائم‌الخمر، و دیوث که فاجر است» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۰۸).

دسته دوم: گزاره‌های اخباری (خوب و بد) هستند. افزون بر گزاره‌های انشائی، بسیاری از

احادیث، با استفاده از قالب‌های خبری، به بیان ارزش و جایگاه اخلاقی افعال و صفات انسانی می‌پردازند. این دسته از احادیث، از طریق بیان «خوب» یا «بد» بودن یک فعل یا صفت، به تبیین گزاره‌های اخلاقی می‌پردازند. در احادیث، الفاظ و مفاهیم متعددی برای بیان ارزش‌های اخلاقی به کاررفته است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بیانگر خوبی (خیر، حسن، صالح): احادیث بسیاری، با استفاده از این الفاظ و مشتقات آنها، به بیان فضایل اخلاقی و صفات پسندیده انسان می‌پردازند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ؛ بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۹). همچنین امام علی (ع) فرمودند: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اِنْ اَسِيءَ اِلَيْهِ اَحْسَنَ؛ بهترین مردم کسی است که اگر به او بدی شود، خوبی کند» (آمدی تمیمی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۳).

۲. بیانگر بدی (شر، سوء، سیئه، منکر): در مقابل، احادیثی نیز با استفاده از این الفاظ و مشتقات آنها، به بیان رذایل اخلاقی و صفات ناپسند انسان می‌پردازند، امام علی (ع) فرمودند: «مِنَ اللُّؤْمِ سُوءُ الْخُلُقِ؛ بدخلقی از پستی است» (آمدی تمیمی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۸۲۲).

۳. بیانگر ظلم: در مقابل، احادیثی نیز به بیان زشتی و پیامدهای ناگوار ظلم و ستم می‌پردازند، امام علی (ع) فرمودند: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اِنْ ظَلِمَ غَفَرَ؛ بهترین مردم کسی است که چون ستم بیند، درگذرد» (آمدی تمیمی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۳۰).

۴. بیانگر فضیلت: بسیاری از احادیث به صورت خاص به فضایل اخلاقی مانند صبر، شجاعت، سخاوت، و حیا اشاره کرده و آنها را به عنوان صفات برجسته یک انسان مؤمن معرفی می‌کنند، امام علی (ع): «حُسْنُ الْخُلُقِ خَيْرٌ رَفِيقٌ؛ خوش اخلاقی بهترین هم‌نشین است» (طوسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۸۲). بنابراین، احادیث با ارائه هر دو نوع گزاره‌های انشائی (بایدها و نبایدها) و اخباری (بیان ارزش‌های خوب و بد)، نقش بسزایی در تبیین و تعیین گزاره‌های اخلاقی ایفا می‌کنند و به عنوان راهنمایی نظری و عملی برای زندگی اخلاقی به حساب می‌آیند.

۲. تبیین و تشریح مفاهیم اخلاقی به وسیله احادیث

کارکرد دوم احادیث در اخلاق نظری تبیین مفاهیم اخلاقی است. در اینجا «حُسن خلق» را به عنوان یک نمونه از فضایل اخلاقی و «حسد» را به عنوان یک نمونه از رذائل اخلاقی مورد بررسی قرار می‌دهیم.



۱.۲. تبیین و تشریح مفاهیم اخلاقی به وسیله احادیث

برای تبیین و تحلیل مفاهیم اخلاقی مثل «حُسن خلق» یا «حسد» در روایات، ابتدا با تشکیل حوزه معنایی، واژگان و مفاهیم مرتبط با مفهوم مورد نظر از منابع لغوی و روایی جمع‌آوری شده و سپس، جملات توصیفی و تبیینی پیرامون این مفهوم از متون اسلامی استخراج می‌شوند. با بررسی مضمون اصلی این جملات و مقوله‌بندی آنها، مؤلفه‌های اساسی مفاهیم اخلاقی مد نظر شناسایی می‌گردد و هدف، درک و تبیین ماهیت و گستره دقیق مفهوم مد نظر اخلاقی، مصادیق رفتاری و پیامدهای عملی خوش اخلاقی، و چگونگی تأثیرگذاری این صفت است. بدین ترتیب، درک بهتری در تبیین مفاهیم اخلاقی با رجوع به روایات حاصل می‌شود (دیرک گیرتس، ۱۳۹۳، ص ۱۴۰).

۲.۲. مفهوم اخلاقی فضیلت «حسن خلق»

گسترده‌گی روایات مربوط به حسن خلق در منابع اسلامی، اهمیت بی‌چون و چرای این صفت را آشکار می‌سازد. این روایات، به روشنی نشان می‌دهند که «حسن خلق» به‌عنوان مفهومی اخلاقی در آموزه‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته است.

۱.۲.۲. مفهوم و گستره «حسن خلق» در روایات

مورد اول در چگونگی تبیین مفاهیم اخلاقی به‌وسیله روایات، بیان مفهوم و گستره مفهوم «حُسن خلق» است. واژه «حسن» به معنای زیبایی و نیکویی، و «خلق» به معنای سرشت و خوی باطنی به کار می‌رود. پرسش اساسی این است که آیا این اصطلاح تمامی فضایل و محاسن اخلاقی را در بر می‌گیرد یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش، مراجعه به متون دینی اجتناب‌ناپذیر است. منابع اسلامی نشان می‌دهند که «حُسن خلق» مترادف با تمامی فضایل اخلاقی نیست. روایات در دو دسته این مدعا را تبیین می‌کنند: نخست، روایاتی که حُسن خلق را در کنار دیگر فضایل برشمرده و آن را یکی از آنها می‌دانند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۶-۹۹). دوم، روایاتی که کاربرد حُسن خلق را عمدتاً در حوزه معاشرت و روابط اجتماعی محدود می‌کنند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۰).

۱.۲.۲. مصادیق «حسن خلق» در روایات

تعیین مصادیق عینی و رفتاری «حسن خلق» یکی از مباحث مهم در اخلاق است (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۷۳). در حالی که برخی تنها به مفاهیم کلی بسنده می‌کنند که سبب سردرگمی و دشواری در



تشخیص خوش اخلاق از بد اخلاق می شود، منابع حدیثی به خوبی این مصادیق را تبیین کرده اند. روایات متعددی در این زمینه وجود دارند که به چند نمونه از این مصادیق اشاره می کنند.

مصدق اول «حسن خلق»: الفت گری و الفت پذیری: «خوش اخلاق» کسی است که با دیگران مهر بورزد و مهرورزی آنان را بپذیرد. الفت و صمیمیت از عناصر اساسی یک ارتباط خوب است. ناتوانی در الفت گری یا عدم پذیرش الفت دیگران، موجب نقص در ارتباط اجتماعی می گردد، امام صادق (ع) نقل می کنند که رسول خدا (ص) فرمودند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِكُمْ؟» گفتند: آری! ای پیامبر خدا و آن حضرت فرمودند: «أَحْسِنُكُمْ أَخْلَاقًا الْمُؤَطَّنُونَ أَكْنَافًا، الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۳).

مصدق دوم «حسن خلق»: خوش گویی: نیکو سخن گفتن (از نظر لحن و محتوا) نقش مهمی در تقویت مودت و صمیمیت دارد و عواطف مثبت را برمی انگیزد. از امام صادق (ع) درباره حد «حسن خلق» سؤال شد، و ایشان در بیان مصادیق آن به سه چیز تصریح فرمودند: «تَلِينُ جَانِبِكَ، وَتَطْيِيبُ كَلَامِكَ، وَتَلَقَّى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۳).



۷۵

مصدق سوم «حسن خلق» خوش رویی: نشان دادن چهره ای گشاده و نیکو در ارتباط، تأثیر مثبتی بر مخاطب گذاشته و به زیبایی ارتباط می افزاید. رسول اکرم می فرمایند: «إِنَّ مِنْ مَكَارِمِ أَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ الْبِشَاشَةَ إِذَا تَزَاوَرُوا، وَالْمُصَافَحَةَ وَالْتِرْجِيبَ إِذَا التَّقَوَّا» (متقی، ۱۴۱۹: ج ۹، ص ۳۹)؛ امام حسن (ع): «كَانَ دَانِمَ الْبِشْرِ، سَهْلَ الْخُلُقِ، لَيِّنَ الْجَانِبِ» (حرانی، ۱۴۰۴: ص ۲۹۶)؛ امام (ع): «لَسْفَرَةُ بَشْرٍ حَسَنٌ وَطَلَاقَةُ الْوَجْهِ مَكْسَبَةٌ لِمَحَبَّةٍ وَقُرْبَةٍ مِنَ اللَّهِ» (حرانی، ۱۴۰۴: ص ۲۹۶).

بررسی و تبیین کارکردهای احادیث در اخلاق نظری

۳.۲. مفهوم رذیلت اخلاقی «حسد»

مفهوم رذیلت اخلاقی «حسد»، مورد دومی است که در تبیین مفاهیم اخلاقی با استفاده از احادیث بررسی می شود.

۱.۳.۲. مفهوم و گستره «حسد»

در روایات اسلامی، تفاوت مهمی بین حسد و غبطه وجود دارد، امام صادق (ع) فرموده اند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغِيظُ وَلَا يَحْسُدُ وَالْمُنَافِقُ يَحْسُدُ وَلَا يَغِيظُ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۷). غبطه، یعنی

آرزوی داشتن نعمتی شبیه به دیگران، بدون اینکه خواهان زوال آن نعمت از آنان باشید. این حس، مثبت و سازنده است و به رقابت و پیشرفت کمک می‌کند، اما حسد به معنای آرزوی از بین رفتن نعمت از دیگران است، حتی اگر به خود حسود نرسد. این صفت نه تنها مُخَرَّب است، بلکه سبب رنج دائمی حسود می‌شود.

۲.۳.۲. پیامد دنیوی و معنوی «حسد»

الف) پیامدهای معنوی

۱. زائل شدن ایمان: حسادت، ایمان را از بین می‌برد، امام صادق (ع) فرمودند: «وَلَا تَحَاسَدُوا فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛ به یک‌دیگر حسادت نورزید؛ زیرا حسادت ایمان را می‌خورد، همان‌طور که آتش هیضم را نابود می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۶).

۲. آفت‌زدگی دین: فرد حسود با حسادت ورزیدن، در برابر اراده و مشیت الهی می‌ایستد و می‌کوشد حکمت الهی را تغییر دهد. در حدیث قدسی آمده است: «الْحَاسِدُ سَاحِطٌ لِنِعْمَتِي، ضَادٌّ لِقَسَمِي الَّذِي قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي، وَمَنْ يَكُ كَذَلِكَ فَلَسْتُ مِنْهُ وَ لَيْسَ مِنِّي» حسود از نعمت‌های من ناراحت و مخالف تقسیم روزی بین بندگانم است و هر کس چنین باشد، من از او نیستم و او از من نیست (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۰۶). هر چیزی آفتی دارد که در صورت هجوم، آن را فاسد و نابود می‌کند. دین نیز آفتی دارد که حسد یکی از آن‌هاست، امام علی (ع) فرمودند: «الْحَسَدُ آفَةٌ الدِّينِ»؛ حسد آفت دین است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۹).

۳. فرورفتن در گناه: حسد، هرچند یک احساس درونی است، اما اگر ابراز شود، می‌تواند به اشکال مختلفی مانند غیبت، تهمت، دروغ، فحاشی و خشونت بروز یابد. فرد حسود برای از بین بردن نعمت دیگران، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند، امام علی (ع) حرص، تکبر و حسد را سه عامل اصلی سوق‌دهنده به گناهان معرفی کرده‌اند: «وَالْحِرْصُ وَالْكِبْرُ وَالْحَسَدُ دَوَاعٍ إِلَى التَّقْصِيمِ فِي الذُّنُوبِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱).

ب) پیامدهای اخروی

۱. بیماری‌های جسمی: روایات متعددی به آثار جسمی حسد اشاره دارند، امام علی (ع) فرموده‌اند: «صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قَلَّةِ الْحَسَدِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۶)، یعنی سلامتی جسم به



کم بودن حسادت بستگی دارد. ایشان در جایی دیگر از غفلت حسودان نسبت به تأثیر حسد بر بدنشان تعجب می‌کنند و می‌فرمایند: «الْعَجَبُ الْغَفْلَةُ الْحُسَادِ عَنْ سَلَامَةِ الْأَجْسَادِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۶). این نشان می‌دهد که حسد می‌تواند موجب بیماری‌های جسمی شود، در حالی که حسودان معمولاً از منشأ اصلی آن بی‌خبرند و به درمان‌های سطحی می‌پردازند.

۲. لذت نبردن از زندگی. فرد حسود پیوسته در رنج و عذاب است و از زندگی خود هیچ لذتی نمی‌برد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أَقْلُ النَّاسِ لَذَّةَ الْحَسُودِ» کم‌لذت‌ترین مردم، حسود است (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۰).
اینها نمونه‌ها و مصادیقی اندک در برابر مصادیق پرشماری است می‌توان برای تبیین و تشریح مفاهیم اخلاقی از آنها بهره گرفت.

۳. تفسیر آیات اخلاقی قرآن به وسیله احادیث

کارکرد سوم احادیث در اخلاق نظری تفسیر آیات اخلاقی قرآن کریم است. در اینجا چند مورد از تفسیر آیات اخلاقی قرآن به وسیله احادیث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۳. بیان معانی و مفاهیم واژگان

نخستین گام در فهم معارف قرآن، درک دقیق معنای واژگان آن در زمان نزول است و یکی از بهترین راه‌ها، استفاده از روایات پیامبر (ص) و ائمه (ع) است که به تبیین واژگان قرآنی پرداخته‌اند. برای مثال، تبیین معنای «خوف» (ترس از مقام پروردگار) در آیه ۴۶ سوره الرحمن با استفاده از روایت امام صادق (ع) است. «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ»؛ دو باغ برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، وجود دارد تشریح و تفسیر معنای خوف در بیان امام صادق (ع) در این آیه: «مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ يَرَاهُ وَيَسْمَعُ مَا يَقُولُ وَيَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ، فَيَحْجُرُهُ ذَلِكَ عَنِ الْقَبِيحِ مِنَ الْأَعْمَالِ، فَذَلِكَ الَّذِي خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى»؛ فردی که آگاه است خداوند ناظر بر اوست، سخنانش را می‌شنود و تمام اعمال نیک و بدش را می‌داند، و همین آگاهی او را از انجام کارهای زشت باز می‌دارد، چنین کسی از جایگاه والای پروردگارش بیمناک بوده و نفس خویش را از خواهش‌های آن دورنگه داشته است. این روایت از امام صادق (ع) معنای «خوف از



مقام پروردگار» را به علم و آگاهی انسان از حضور دائمی خداوند و مراقبت او نسبت به اعمال و گفتار انسان مرتبط می‌سازد. به عبارت دیگر، این ترس، یک ترس آگاهانه و ناشی از معرفت است. کسی که می‌داند خداوند همواره ناظر بر اوست و از تمام اعمال و نیت‌های او آگاه است، به طور طبیعی از انجام کارهای ناپسند و پیروی از هوای نفس پرهیز می‌کند (رسولی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۹۷).

۲.۳. بیان مصادیق

برخی آیات قرآن، احکام کلی اخلاقی را بیان می‌کنند که برای فهم و اجرای صحیح، نیازمند توضیح و تفسیر هستند. روایات تفسیری با ارائه مصادیق عینی، به تبیین این احکام کلی کمک کرده و موضوع آیه را ملموس‌تر می‌سازند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۹). برای مثال، در حدیثی از امام صادق (ع) در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل عمران «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و پایداری ورزید و مربوطه نمایید) سه مصداق برای فضیلت اخلاقی «صبر» بیان شده است. الف) «اصبروا علی المصاب»: صبر بر مصیبت‌ها و تحمل سختی‌های زندگی؛ ب) صابروا علی التقیة»: پایداری و استقامت در برابر فشارهای دشمنان و تحمل سختی‌های ناشی از تقیه؛ ج) «رابطوا علی من تقفون به» پیوند و ارتباط مستمر با ائمه (ع) و پیروی از ایشان (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۶۴). این حدیث نشان می‌دهد که چگونه یک حکم کلی اخلاقی در قرآن (صبر) توسط روایات با ارائه مصادیق مشخص، برای مخاطبان قابل فهم‌تر و کاربردی‌تر می‌شود.

۴. تکمیل و پشتیبانی عقل بواسطه احادیث

کارکرد چهارم احادیث در اخلاق نظری، تکمیل و پشتیبانی از عقل به وسیله احادیث است که در ادامه، به صورت تفصیلی بررسی و تبیین می‌شود.

۱.۴. جایگاه عقل نظری و عقل عملی در اخلاق

«عقل» از جمله مفاهیم بنیادین در فلسفه و اخلاق است که همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. در این میان، تقسیم عقل به نظری و عملی از جمله مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌هاست که نقش

بسیاری در تبیین جایگاه عقل در اخلاق دارد. در اینجا به بررسی جایگاه عقل نظری و عملی در اخلاق پرداخته می‌شود.

جایگاه عقل نظری در ساختار ادراک اخلاقی: عقل نظری، به‌عنوان قوه ادراکی مرتبط با فهم حقایق و واقعیت‌های هستی، نقش بنیادینی در شکل‌گیری مبانی شناختی اخلاق ایفا می‌کند. این قوه، از طریق تحلیل و بررسی مفاهیم کلی و انتزاعی نظیر هستی، انسان و مبدأ عالم، بستری معرفتی را فراهم می‌سازد که عقل عملی بر آن استوار می‌گردد. به بیان دیگر، عقل نظری با تبیین مرزهای میان صدق و کذب، واقعیت و وهم، امکان تشخیص گزاره‌های ارزشی را برای عقل عملی تسهیل می‌کند. در این راستا، امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «بِالْعَقْلِ اسْتُخْرِجَ غَوْرُ الْحِكْمَةِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۸). این حدیث بر نقش عقل در دستیابی به عمق دانش و حکمت تأکید دارد که لازمه تشخیص صحیح در حوزه اخلاق است.

جایگاه عقل عملی در تعیین و انجام فعل اخلاقی: عقل عملی، در مقابل عقل نظری، قوه‌ای است که به تدبیر امور مربوط به عمل و رفتار انسان می‌پردازد. این قوه، با استناد به ادراکات عقل نظری در زمینه مفاهیم ارزشی، به تشخیص مصادیق افعال نیک و بد و ترجیح عمل شایسته مبادرت می‌ورزد. به عبارت دیگر، عقل عملی، نیروی محرک انسان به‌سوی انجام فضایل و اجتناب از رذائل اخلاقی است، امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «عَرَفُوا [الْعِبَادُ] بِه [الْعَقْلِ] الْحَسَنَ مِنْ الْقُبْحِ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۹). این حدیث - به صراحت - بیان می‌کند که انسان‌ها به واسطه عقل عملی، توانایی تمییز فعل نیک از فعل قبیح را دارند که اساس شکل‌گیری رفتار اخلاقی است.

۲.۴. تعامل عقل و وحی در حوزه اخلاق

محور اول: محدودیت‌ها و خطاهای عقل در اخلاق

برای تبیین ارتباط توأمان عقل و وحی و نقش مکمل و حمایتی وحی برای عقل، ابتدا لازم است محدودیت‌ها و خطاهای عقل به‌درستی شناخته شود تا ضرورت وجود وحی (نقل) به‌عنوان یک منبع معرفتی مکمل آشکار شود.

الف) مصون نبودن عقل از خطا: بررسی موانع

عقل، به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم معرفتی انسان، همواره مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه بوده است. با این حال، این مسئله که آیا عقل می‌تواند به‌طور کامل از خطا و اشتباه مصون باشد یا



خیر، همواره محل بحث و مناقشه بوده است. در این اینجا، با بررسی موانع و محدودیت‌های عقلانیت، به این پرسش پاسخ داده می‌شود. این موانع عبارت‌اند از:

۱. **اختلاف آرام و تعارض دیدگاه‌ها:** اختلافات گسترده اندیشمندان در مسائل مختلف علمی، و عقیدتی، نشان‌دهنده آسیب‌پذیری عقل در برابر خطا است. این تعارض‌ها، دستیابی به یک نظر مشترک و قطعی را دشوار می‌سازد و گواهی بر مصون نبودن عقل از اشتباه است.

۲. **ناتوانی در تدبیر زندگی:** اختلافات و تناقضات در ارائه شیوه‌های گوناگون برای اداره امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بیانگر آن است که عقل به‌تنهایی نمی‌تواند راهکاری جامع و کامل برای تدبیر زندگی ارائه دهد و نیازمند راهنمایی منابع دیگری چون وحی است.

۳. **تأثیر عوامل عاطفی و روانی:** احساساتی نظیر حُب و بغض، خشم و محبت می‌توانند در درک، فهم و داوری عقل اختلال ایجاد کنند. این تأثیرپذیری نشان می‌دهد که عقل تحت عوامل درونی و بیرونی قرار دارد و نمی‌تواند همواره بی‌طرف و عینی عمل کند (امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۸۰-۸۱).

ب) مصون نبودن عقل از خطا: بررسی محدودیت‌ها از منظر نقل

درک محدودیت‌ها و ناتوانی‌های عقل از اهمیت بسزایی در اینجا برخوردار است. در این راستا، به بررسی روایاتی از ائمه معصومین (ع) و در این موضوع می‌پردازیم. از روایات امام صادق (ع) و امام رضا (ع) به‌وضوح برمی‌آید که عقل بشری به‌تنهایی برای تشخیص کامل سود و زیان انسان، به‌ویژه در امور اخروی، کافی نیست (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۱). قوای فکری انسان در درک کامل مصالح و مفاسد خود ناتوان است و نیازمند راهنمایی پیامبران الهی است. بر همین اساس، امام علی (ع) می‌فرماید: «عَايَةُ الْعَقْلِ الْاِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ» (آمدی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۲۷۴)، یعنی نهایت عقل، اعتراف به جهل است. این سخن نشان می‌دهد که عقل دارای محدودیت‌هایی است و در مواجهه با امور نامحدود و فرامادی، به ناتوانی خود پی می‌برد و نیازمند هدایت فراتر از خود است.

این محدودیت عقل در موضوعات اخلاقی بنا به این ادله است.

۱. **پیچیدگی نفوس انسانی و ناتوانی عقل در درک آن:** حالات گوناگون و پیچیده نفس انسان، از صحت و مرض گرفته تا سعادت و شقاوت، برای عقل بشری قابل درک کامل نیست. عقل تنها قادر به درک کلی برخی از خوبی‌ها و بدی‌ها است و در تشخیص جزئیات و مصادیق آنها دچار محدودیت می‌شود.

۲. لزوم تسلیم در برابر اولیای حق برای استکمال انسانی: برای رسیدن به کمال انسانی، به‌ویژه در اموری که عقل به‌تنهایی قادر به درک آنها نیست و تنها از طریق وحی و رسالت قابل فهم است، تسلیم در برابر اولیای الهی ضروری است.

۳. ارتباط عمیق اخلاق با ایمان و تحوّل باطنی: اخلاق یک تحوّل درونی است که ریشه در ایمان به معارف الهی دارد. بدون اعتقاد به مبدأ و معاد، تکیه صرف بر عقل برای دستیابی به اخلاق واقعی و تحوّل باطنی کافی نیست (امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۰)

محور دوم: تأثیر و تأیید عقل توسط وحی (نقل)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که عقل و وحی (نقل) رابطه‌ای دوسویه و تأثیرگذار بر یکدیگر دارند. در اخلاق نقلی، روایات امام علی (ع) فضایل اخلاقی و اعمال نیکو را تقویت‌کننده عقل و رذائل و گناهان را تضعیف‌کننده آن معرفی می‌کنند. این نشان می‌دهد که آموزه‌های نقلی نه تنها با عقل در تعارض نیستند، بلکه به‌عنوان مکملی برای تقویت و هدایت آن عمل می‌کنند، امام علی (ع) در روایاتی فضایل و رذائل اخلاقی را به ترتیب عوامل تقویت و تضعیف عقل معرفی می‌کنند. ایشان مبارزه با شهوت، غلبه بر غضب و مخالفت با عادات بد را موجب پرورش نفس و کمال عقل می‌دانند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۶۵). همچنین، بی‌نیازی از مواهب دنیا را سبب کمال عقل می‌شمارند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۳۹۴). در مقابل، پیروی از هوای نفس، بخل «شَرُّ آفَاتِ الْعَقْلِ الشُّحُّ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۷۸)، عجب «أَفَةُ اللَّبِّ الْعُجْبُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۰۹)، غضب «الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْأَلْبَابَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۵۷) از جمله عواملی هستند که عقل را تباه و ضعیف می‌کنند. این روایات نشان می‌دهند که عقل و اخلاق، رابطه‌ای دوسویه و مستمر دارند. انسان با استفاده از عقل خود می‌تواند اخلاقش را بهبود بخشد و در مقابل، رعایت اصول اخلاقی به کمال عقل او کمک می‌کند. بی‌توجهی به هر یک از این دو می‌تواند منجر به تضعیف و حتی نابودی هر دوی آنها شود. این تعامل پویا بر اهمیت هماهنگی و تقویت متقابل عقل و اخلاق در مسیر رشد و تکامل انسان تأکید دارد.

۵. بررسی نظریه‌های اخلاقی به وسیله احادیث

کارکرد پنجم احادیث در اخلاق نظری، بررسی نظریه‌های اخلاقی به‌وسیله احادیث است. در ادامه،



«اخلاق فضیلت/ اخلاق فضیلت مدار» از منظر احادیث اسلامی، تبیین و تحلیل می‌شود.

۱.۵. مفهوم فضیلت

بررسی احادیث در نظریه‌های اخلاقی نشان می‌دهد که فضیلت (که عموماً ترجمه واژه یونانی «آرته» است) در معنای اخلاقی، خصلتی مطلوب و شایسته‌تسه‌تسین است و ما را قادر می‌سازد به غایات خوب دست یابیم و انگیزه‌های نیکو را در خود پرورش دهیم. «اخلاق فضیلت» به خصائیل شخصیتی و حقیقت انسانی ارزش می‌نهد و به جای تمرکز بر قواعد، به اشخاص و انگیزه‌های عامل اخلاقی می‌پردازد (هولمز، ۱۳۹۴، ص ۷۷). این رویکرد به این پرسش سقراط که «چگونه باید زیست؟» پاسخ می‌دهد: «فضیلت‌مندان، مسئله اصلی در این اخلاق «چه کسی باشیم؟» است و غایت آن سعادت و اصلاح فرد است. دغدغه اصلی، شناسایی منش‌های معرف شخص اخلاقاً خوب و کسب فضایل است (ادواردز، ۱۳۹۲، ص ۳۹۱). فضیلت‌گرایان برای فضیلت ارزش ذاتی قائل بوده و بر نقش‌گنشگر اخلاقی تأکید می‌کنند (فرانکتا، ۱۳۸۳، ص ۱۴۲-۱۴۴).



۸۲

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی | سال هشتم | شماره سوم | پائیز ۱۴۰۴

۲.۵. عناصر و مؤلفه‌های اصلی اخلاق فضیلت

اخلاق فضیلت حول محور مفاهیم کلیدی زیر شکل می‌گیرد:

«فضیلت»، در اخلاق فضیلت، ویژگی‌ای شخصیتی است که در اعمال نمایان شده و برای دارنده آن نیکوست؛ ارسطو آن را حد وسط بین دو رذیلت افراط و تفریط می‌داند (مصباح‌بزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۸-۳۱۶). فیلیپا فوت، فضایل را توانایی‌های لازم برای داشتن یک زندگی خوب و سعادت‌مند می‌شمارد. از نگاه دیگر، اندیشمندان فضیلت ملکه‌ای است که با انگیزه رسیدن به اهداف نیکو در افراد خوب شکل می‌گیرد و در دستیابی به آن موفق است. این تعاریف گوناگون، همگی بر اکتسابی و ارزشمندبودن فضیلت و نقش آن در رسیدن به کمال و سعادت تأکید دارند (امیدی‌نیا، بی‌تا، ص ۴۸). «سعادت»، از نظر ارسطو فعالیت نفس مطابق با برترین فضیلت است. انسان با عمل به فضایل اخلاقی، استعداد‌های خود را شکوفا کرده و به سعادت که والاترین مرحله رشد است، دست می‌یابد. او همچنین به اهمیت خیرهای بیرونی در سعادت‌مندی اشاره می‌کند (ارسطو، ۱۳۸۵، ص ۲۸-۳۷). مک‌این‌تایر، سعادت را کمال هر موجودی دانسته و کمال انسان را در زندگی فضیلت‌مندانه می‌بیند (خزاعی، ۱۳۸۲، ص ۷۲). در مجموع، سعادت در اخلاق فضیلت، فراتر از

لذت بوده و به معنای شکوفایی کمال و زندگی بر اساس فضایل اخلاقی و عقلانی است.

«نیت»: مک‌ایتایر معتقد است که شناخت رفتار بدون در نظر گرفتن نیت فاعل ممکن نیست. او تأکید می‌کند که نیت عامل تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و انجام عمل است و بدون در نظر گرفتن نیت، باورها، امیدها و انگیزه‌های فاعل، نمی‌توان افعال جوانحی را توصیف کرد. طرف‌داران اخلاق فضیلت‌محور، دیگر نظریه‌های اخلاقی را که به نیت و انگیزه‌های درونی توجه نمی‌کنند، ناکافی دانسته و معتقدند که این نظریه‌ها نمی‌توانند انگیزه لازم را در فاعل اخلاقی ایجاد کنند (مک‌ایتایر، ۱۳۹۳، ص ۳۵۱-۳۴۸).

«حد وسط»: مفهوم حد وسط در اخلاق، به معنای اعتدال و تعادل در امور است. برای مثال، شجاعت حد وسط بین تهور (افراط) و ترسویی (تقریط) به حساب می‌آید. این مفهوم بر اهمیت اجتناب از زیاده‌روی و کم‌کاری در اعمال و احساسات تأکید دارد. از دیدگاه ارسطو دستیابی به سعادت در گرو عمل به فضایل اخلاقی است و حد وسط به‌عنوان معیاری برای تعیین این فضایل، نقش اساسی در رسیدن به سعادت ایفا می‌کند (مک‌ایتایر، ۱۳۹۳، ص ۳۵۱-۳۴۸). به طور خلاصه، حد وسط، مفهومی کلیدی در اخلاق فضیلت، به‌ویژه در سنت ارسطویی، است که بر اهمیت اعتدال و تعادل در اعمال و احساسات تأکید دارد (ارسطو، ۱۳۸۵، ص ۶۶-۶۱).

۳.۵. بررسی و تبیین مبانی و اصول نظریه فضیلت‌گرایی به وسیله احادیث

نظریه اخلاق فضیلت، رویکردی مهم در اخلاق دینی و به‌ویژه اخلاق نقلی روایی است که فضایل اخلاقی و شخصیت انسان را محور اصلی می‌داند. در این بخش، مبانی و اصول این نظریه از منظر احادیث و روایات تبیین می‌شود.

«نیت» انگیزه در انجام عمل اخلاقی می‌تواند متفاوت باشد؛ گاهی کسب ثواب اخروی، گاهی ترس از عذاب الهی، و گاهی نیز صرفاً رضایت خداوند که برای اولیای الهی ذاتاً مطلوب است. این بالاترین مرتبه خداخواهی است و مورد تأکید آنان بوده است. روایات بر اهمیت نیت در ارزش عمل تأکید دارند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لَا عَمَلَ لِمَنْ لَا نِيَّةَ» (تیمی آمدی، ۱۳۶۸، ص ۷۸۳)، یعنی کسی که نیت نیکو نداشته باشد، عملی ندارد. پیامبر (ص) نیز فرمودند: «إِنَّمَا يُعْمَلُ النَّاسُ عَلَى نِيَّتِهِمْ» (شهید ثانی، ۱۴۳۱ق، ص ۲۵)، یعنی مردم بر اساس نیاتشان برانگیخته می‌شوند. ارزش نیت از عمل بیشتر است؛ چنانکه پیامبر (ص) فرمودند: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»





(شهید ثانی، ۱۴۳۱ق، ص ۲۵)، یعنی نیت مؤمن از عملش بهتر از عملش است.

«حد وسط» آنچه از آثار علمای مسلمان برداشت می شود، قرابت زیادی بین حد وسط اخلاقی و حدیث نبوی «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۵۴۰) وجود دارد. در کتب اخلاقی مانند اخلاق ناصری، میزان العمل و غیره، حد وسط با صراط مستقیم یکی دانسته شده است؛ زیرا رعایت آن دشوار و دقیق است و بدون راهنمایی الهی و عقل به تهایی قابل درک نیست.

«فضیلت»: واژه «فضیلت» به طور مستقیم در قرآن به کار نرفت، ولی تأکید بر رشد اخلاقی و انسانیت، نشان دهنده اهمیت فضایل در اسلام است. در روایات اسلامی، واژه «فضیلت» به صراحت و همراه با مصادیق آن مورد تأکید قرار گرفته و به عنوان مثال، در روایتی از امیرالمؤمنین (ع)، عدالت به عنوان فضیلت سلطان معرفی شده است: «الْعَدْلُ فَضِيلَةُ السُّلْطَانِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۰). در دعای حضرت فاطمه (س)، انواع فضایل برای پیامبر (ص) از خداوند درخواست شده است: «اللَّهُمَّ فَاعْطِهِ بِكُلِّ فَضِيلَةٍ عَنْ فَضَائِلِهِ وَ مَنَقِبَةٍ عَنْ مَنَاقِبِهِ وَ حَالٍ مِنْ أَحْوَالِهِ وَ مَنَزَلَةٍ مِنْ مَنَازِلِهِ» (ابن طاووس، ۱۳۶۵، ص ۲۵۰). فضایی مانند عدالت، عفت، زهد، حکمت، صبر، گذشت، ایثار و شجاعت، نمونه هایی هستند که در قرآن و روایات به وفور یافت می شوند.

«سعادت» از دیدگاه اخلاق دینی، سعادت دربرگیرنده هر دو جهان، یعنی دنیا و آخرت است. در این نگرش، شخص با انجام دادن فضایل اخلاقی، نه تنها سعادت دنیوی را به دست می آورد، بلکه سعادت آخروی و دیدار خداوند را نیز هدف قرار می دهد. این سعادت دارای مراتب و درجات گوناگون است؛ از شوق به جنات عدن و فرار از نار جهنم تا قرب به خداوند و لقاء وجه الله، هر کس بر اساس ظرفیت و معرفت خویش، مقصدی را برمیگزیند؛ چنان که در کلام حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»؛ همانا گروهی خدا را از روی رغبت پرستیدند، این پرستش بازرگانان است، و گروهی خدا را از روی ترس پرستیدند، این پرستش بردگان است، و گروهی خدا را از روی شکر پرستیدند، این پرستش آزادگان است (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷) در دعای حضرت فاطمه زهرا (س) نیز می خوانیم: «أُرْزُقْنِي حُبَّكَ وَ حُبَّ كُلِّ مَنْ أَحَبَّكَ وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يَقْرُبُنِي إِلَى حُبِّكَ»؛ خداوندا، دوستی خود و دوستی هر کسی را که تو را دوست دارد، و دوستی هر عملی که مرا به دوستی ات نزدیک می گرداند، روزی ام گردان (ابن طاووس، ۱۳۶۵، ص ۱۹۷). گویی در این مسیر، هر کس بر اساس شاکله و نیت خویش، گامی برمی دارد و به سوی مقصدی والا رهسپار می شود.

۶. نقد نظریه‌های اخلاقی به وسیله احادیث

کارکرد ششم احادیث در اخلاق نظری، نقد نظریه‌های اخلاقی است. روایات اسلامی نه تنها شواهدی برای تأیید یا بررسی نظریه‌هایی مانند لذت‌گرایی، منفعت‌گرایی و نظریه قدرت نیچه ارائه می‌دهند، بلکه قابلیت نقد و ارزیابی این نظریه‌ها را نیز دارند. در ادامه، نمونه‌ای از نقد نظریه‌های اخلاقی از منظر احادیث بررسی می‌شود.

۶.۱. مفهوم‌شناسی لذت‌گرایی

«لذت» از ریشه «لذذ» یا «لذر» به معنای هماهنگی و گوارایی با طبع انسان و احساس آسایش ناشی از ادراک امر مطلوب است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۱۸۴) در اصطلاح، فلاسفه اسلامی تعاریف متنوعی ارائه داده‌اند؛ فارابی و ملاصدرا آن را ادراک امر ملائم با طبع، زکریای رازی بازگشت به حالت طبیعی، ابن سینا ادراک نیل به کمال و خیر، علامه نراقی پیامد نیل به امر مطلوب و علامه طباطبایی ادراک ملائم طبع همراه با تقسیم آن به حسی، خیالی و عقلی می‌داند (رازی، ۱۴۰۲، ص ۳۷؛ ابن سینا، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۳۳؛ علامه طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۱۱). این تعاریف بر جنبه‌های مختلف سازگاری، تعادل، کمال‌جویی و دستیابی به خواسته‌ها در تجربه لذت تأکید دارند.

۶.۲. دیدگاه‌های شاخص مکتب لذت‌گرایی، اصول و مبانی آنها

الف) لذت‌گرایی کورنائی و تأکید افراطی بر لذت حسی: لذت‌گرایی کورنائی، که ریشه در اندیشه‌های آریستیپوس دارد، از ابتدایی‌ترین و سطحی‌ترین اشکال لذت‌گرایی است. هسته اصلی این مکتب این باور است که تنها لذت‌های حسی و آنی، خیر ذاتی و هدف نهایی زندگی انسان هستند. بر این اساس، ارزش هر چیز صرفاً با میزان لذت حسی که در لحظه تولید می‌کند، سنجیده می‌شود. از دیدگاه کورنائی‌ها، مفاهیمی چون فضیلت و دانش ذاتاً ارزشمند نیستند، بلکه تنها زمانی ارزش پیدا می‌کنند که به افزایش لذت حسی منجر شوند. در واقع، لذت حسی معیار نهایی ارزش‌گذاری اخلاقی است و هر تجربه جسمانی خوشایند، بدون توجه به پیامدها یا کیفیت آن، ذاتاً خوب تلقی می‌شود. این تأکید افراطی بر لذت‌های حسی و نادیده گرفتن ابعاد دیگر زندگی، انتقادات زیادی را برانگیخته است؛ زیرا این دیدگاه سعادت انسان را صرفاً به ارضای امیال جسمانی محدود می‌کند و ارزش‌های معنوی و عقلانی را نادیده می‌گیرد (کاتری، ۱۳۷۶، ص ۳۱۰).





ب) لذت‌گرایی اپیکوری و تلاش برای تعادل و پایداری لذت: در مقابل لذت‌گرایی حسی کورنائی، اپیکور و پیروانش رویکردی ظریف‌تر و عمیق‌تر به مفهوم لذت ارائه می‌دهند. اپیکور، با درک انتقادات وارد شده به لذت‌گرایی صرفاً حسی، تلاش نمود تا تفسیری از لذت ارائه دهد که پایدارتر و جامع‌تر باشد. او بر این باور بود که لذت واقعی، نه در هیجانات و لذت‌های زودگذر جسمانی، بلکه در حالت آرامش و فقدان درد و رنج جسمی و روحی (آتاراکسیا) نهفته است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲). از نظر او، لذت‌های روحی به دلیل پایداری، بر لذت‌های جسمانی ارجحیت دارند. اپیکور برای دستیابی به این لذت پایدار، بر محاسبه عقلانی لذت‌ها و دردها، انتخاب لذت‌های باکیفیت‌تر و پایدارتر، و پرهیز از امیال غیر ضروری تأکید می‌کرد. او معتقد بود ارضای نیازهای طبیعی و ضروری برای لذت کافی است و افراط در لذت‌های حسی تنها به رنج بیشتر می‌انجامد. بنابراین، اپیکور با تأکید بر قناعت، اعتدال و دوری از آشفتگی‌های دنیوی، سعادت را در آرامش روحی و رهایی از دغدغه‌ها می‌دانست، نه صرفاً لذت جسمانی (ژان برن، ۱۳۵۷، ص ۳۳).

۳.۶. نقد لذت‌گرایی اخلاقی به وسیله احادیث

۱. یکی از اشکالات اساسی نظریه لذت‌گرایی، تمرکز صرف بر کمیّت لذت (طول مدت) و نادیده گرفتن کیفیت آن است. تجربه نشان می‌دهد لذت‌های کوتاه‌مدت، اما عمیق، گاه ارزشی بسیار بیشتر از لذت‌های طولانی مدت و سطحی دارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۸). امام صادق (ع) در مذمت پر خوری که لذتی جسمانی است و می‌تواند منجر به طغیان نفس شود، می‌فرماید: «إِنَّ الْبَطْنَ إِذَا شَبِعَ طَغَى» همانا شکم هر گاه سیر شود، طغیان می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۵۶). همچنین، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا» بهترین کارها، میانه‌روی در آنهاست (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۵۴۰). این احادیث - به وضوح - نشان می‌دهند که کیفیت لذت در رعایت اعتدال در ارضای غرایز است، نه صرفاً در ارضای آنها. افراط در لذت‌های دنیوی ارزش آنها را کاهش داده و می‌تواند پیامدهای منفی معنوی و جسمی به دنبال داشته باشد.

۲. یکی از ایرادات اساسی وارد بر نظریه‌های لذت‌گرایانه، محدود کردن زندگی و لذت‌ها و رنج‌های انسان به جهان مادی و انکار یا نادیده گرفتن حیات اُخروی در محاسبات لذت است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳). امیرالمؤمنین علی (ع) در اشاره به عظمت امور آخرت می‌فرماید: «كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سَمَاعَةٌ أَعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عِيَانُهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ، فَلْيَكْفِكُمْ مِنَ الْعِيَانِ السَّمَاعُ، وَمِنَ الْغَيْبِ الْخَبْرُ» هر چیز دنیا، شنیدنش بزرگتر از دیدنش است؛

و هر چیز آخرت، دیدنش بزرگتر از شنیدنش است. پس، به جای دیدن آخرت و مشاهده آنچه از دیدگان شما پنهان و در پس پرده غیب است، به همان شنیدن و خبر یافتن اکتفا کنید (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴). این سخن امام (ع) نشان می‌دهد که عظمت و کیفیت لذت‌های آخری فراتر از تصورات ماست و قابل مقایسه با لذت‌های دنیوی نیست.

۳. از ایرادات اصلی مکتب لذت‌گرایی اپیکوری، تمرکز بیش از حد بر لذت شخصی و نادیده گرفتن خیر دیگران است. این مکتب، معیار روشنی برای حل تعارض میان لذت فردی و رنج دیگران ارائه نمی‌دهد و در عمل، اولویت را به منافع شخصی می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷). در تقابل با این خودمحوری، آموزه‌های اسلامی با تأکید بر مفاهیم عدالت و احسان، نگرشی متعادل را پیشروی ما می‌گذارند. امیرالمؤمنین علی (ع) در فرازی از نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزند گرامی‌شان امام حسن (ع) چنین می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ؛ فَأَجِيبْ لغيرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرِهْ لَهُ مَا تُكْرَهُ لَهَا، وَ لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ، وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ...»؛ ای فرزند، وجود خویش را معیار و سنجشی در روابط متقابل خود با دیگران قرار ده. پس، هر آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز پسند و هر آنچه برای خود نمی‌خواهی، برای آنان نیز نخواه. همان‌طور که دوست نداری مورد ستم واقع شوی، به هیچ‌کس ستم روا مدار. همان‌گونه که انتظار نیکوکاری از دیگران داری، تو نیز به آنان نیکی کن.

نتیجه

پژوهش حاضر باهدف تبیین و تحلیل کارکردهای نظری احادیث در اخلاق، نقش بنیادین این منبع وحیانی را در شکل‌دهی ساختار نظری این حوزه روشن می‌سازد. یافته‌ها حاکی از آن است که احادیث به طور مؤثر به تبیین و تعیین گزاره‌های اخلاقی، تشریح مفاهیم کلیدی، تفسیر آیات اخلاقی قرآن، تکمیل و پشتیبانی عقل در شناخت اخلاقی، و ارائه بستری غنی برای بررسی و تولید نظریه‌های اخلاقی می‌پردازند. نوآوری این پژوهش در ارائه چارچوبی تحلیلی است که نشان می‌دهد چگونه احادیث فراتر از صرف بیان حکم، به عنوان مولد و تقویت‌کننده نظریه‌های اخلاقی، توسعه‌دهنده مبانی عقلانی اخلاق، و تعیین‌کننده خطوط راهنمای فهم عمیق قرآنی عمل می‌کنند. این مطالعه بر اهمیت محوری احادیث در اخلاق نظری تأکید کرده و ضرورت بهره‌گیری روشمند از آن در تحقیقات آتی و برنامه‌های آموزشی را برای تعمیق دانش اخلاق اسلامی و فهم کاربردی‌تر و نظام‌مند آموزه‌های اهل بیت (ع) آشکار می‌سازد.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۷). معانی الاخبار (ترجمه: عبدالعلی محمدی، علی اکبر غفاری). تهران: دار الکتب الإسلامية.

ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۷۵). الاشارات والتنبیها. قم: نشر البلاغه.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۳). کتاب من لایحضره الفقیه (ترجمه: علی اکبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). الأمالی للصدوق (ترجمه: محمداقبر کمره‌ای). تهران: کتابچی.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۶۵). فلاح السائل. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابوالقاسم زاده، مجید. (۱۳۸۴). ماهیت گزاره‌های اخلاقی از منظر جوادى عاملی. نشریه رواق اندیشه. ش ۴۶ (ص ۱۰۰ - ۱۱۲).

ادواردز، پل؛ بورچرت، دونالد ام. (۱۳۹۲). دانشنامه فلسفه اخلاق (ترجمه: انشاء الله رحمتی). تهران: نشر سوفیا.

ارسطو. (۱۳۸۵). اخلاق نیکوماخوس (ترجمه محمد حسن لطفی تبریزی). تهران: طرح نو.

امید، مسعود. (۱۳۸۸). فلسفه اخلاق در ایران معاصر. انتشارات: علم.

امیدی‌نیا، عبدالحسین. (بی تا). سازمان با فضیلت. تهران: رهام اندیشه.

برن، ژان. (۱۳۵۷). فلسفه اپیکور، (ترجمه: ابوالقاسم پور حسینی). تهران: امیر کبیر.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۸). غررالحکم و دررالکلم. قم: دار الکتب الاسلامی.

جوادى آمدی، عبدالله. (۱۳۷۷). فلسفه حقوق بشر. قم: نشر اسرا.

جوادى آمدی، عبدالله. (۱۳۷۹). مبادی اخلاق در قرآن، قم: نشر اسرا.

جوادى آمدی، عبدالله. (۱۳۸۱). دین شناسی. قم: نشر اسرا.

جوادى آمدی، عبدالله. (۱۳۸۷). تفسیر تنسیم. قم: نشر اسرا.

حر العاملی، محمد بن الحسین. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).

حرانی، حسن بن علی بن شعبه. (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

خزاعی، زهرا. (۱۳۸۲). تبیین فضیلت از دیدگاه مک‌این‌تایر. خردنامه ملاصدرا. ش ۳۳ (ص ۶۸ - ۷۷).



رازی، محمد بن زکریا. (۱۴۰۲ ق). الطب الروحانی. بیروت: دار الآفاق الجديدة.
رسولی، هاشم؛ حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۲). مدارا و مدیریت. تهران: صراط.
سعد الدین، ایمان عبد المؤمن. (۱۴۲۴ق). الأخلاق فی الإسلام (النظرية و التطبيق). ریاض: مكتبة الرشد
للنشر و التوزيع.

شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۳۱ق). منية المريد. بیروت: مؤسسة التاريخ العربي.
طباطبایی، سید محمد حسین. (علامه طباطبایی). (۱۳۶۲). نهاية الحكمة. قم: نشر اسلامی.
طباطبایی، سید محمد حسین. (علامه طباطبایی). (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر المیزان فی التفسیر القرآن. قم:
دفتر انتشارات اسلامی و ابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طباطبایی، محمد کاظم. (۱۳۸۷). مبانی شناخت حدیث از دیدگاه فریقین. قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
الفاخوری، حنا. (۱۳۶۷). تاریخ فلسفه در جهان اسلام. (ترجمه: عبدالمحمد آیتی). تهران: سازمان
انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

فرانکنا، ویلیام، کی. (۱۳۸۳). فلسفه اخلاق. (ترجمه: هادی صادقی). قم: نشرطه.

فناهی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). دین در ترازوی اخلاق. تهران: انتشارات صراط.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۶). تفسیر کنزالدقائق. تهران: وزارت ارشاد.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.

کوفی اهوازی؛ أبو محمد الحسین بن سعید. (۱۳۵۸). الزهد. قم: المطبعة العلمية.

گاتری، دابلوی کی سی. (۱۳۷۶). تاریخ فلسفه یونان، سقراط. (ترجمه: حسن فتحی). تهران: انتشارات فکر.

گیررتس، دیرک. (۱۳۹۳). نظریه‌های معناشناسی واژگانی. (ترجمه: کورش صفوی). تهران: علمی.

لیثی واسطی، علی بن محمد، حسنی بیرجندی، حسین. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: مؤسسه
علمی فرهنگی دارالحدیث.

متقی، علی بن متقی حسام‌الدین؛ دمیاطی، محمود عمر. (۱۴۱۹ق). کنز العمال فی سنن الأقوال و
الأفعال. بیروت: دار الکتب العلمية.

مجلسی، محمد باقر (علامه مجلسی). (۱۳۶۶). بحارالانوار. بیروت: دارالاحیاء لثراث العربی.

محمد، غزالی. (۱۹۹۳ م). معیار العلم فی فن المنطق. بیروت: دارالمکتب الهلال.

مروارید، جعفر؛ رقی، جواد؛ حسینی، زهرا؛ (۱۴۰۰). سازگاری نظریه فضیلت‌گرایی با اخلاق دینی.
پژوهش‌های اخلاقی، ش ۴۳ (۲۱۹ - ۲۳۶).

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۲). فلسفه اخلاق. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. (تحقیق و نگارش: احمد حسین



شریفی). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
مک اینتایر، السدیر. (۱۳۹۳). در پی فضیلت. تهران: سازمان سمت.
موسوی خمینی، سید روح الله (امام خمینی). (۱۳۸۸). شرح چهل حدیث. هران: نشر آثار امام خمینی.
موسوی خمینی، سید روح الله (امام خمینی). (۱۳۹۱). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: نشر آثار
امام خمینی (ره).
ورام، مسعود بن عیسی. (بی تا). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام. بیروت: دار صعب.
هولمز، رابرت، ال. (۱۳۹۴). مبانی فلسفه اخلاق. (ترجمه: مسعود علیا)، تهران: ققنوس.



۹

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی | سال هشتم | شماره سوم | پاییز ۱۴۰۴